

## حوثی‌ها عقب نخواهند کشید

حملات ایالات متحده و انگلیس به نیروهای یمنی، احتمالاً بدترین گزینه برای تحت فشار قرار دادن حوثی‌ها برای پایان دادن به فعالیت‌هایشان در دریای سرخ است. این حملات تا حد زیادی نماندین هستند و عمدتاً واکنش به فشار بازنگران محلی، شرکت‌های کشتیرانی و سایر ذی‌نفعانی است که شاهد افزایش هزینه‌ها به واسطه حملات حوثی‌ها بوده‌اند. یک شرکت بزرگ حمل‌ونقل دریایی، موافقت خود را برای انجام این عملیات اعلام کرده است. سوال این است که این حملات هوایی چه تأثیری بر عملیات حوثی‌ها خواهد داشت؟ حوثی‌ها چگونه پاسخ خواهند داد؟ و این رویدادها چه تأثیر گسترده‌تری بر منطقه خواهند داشت؟ بعید است که حملات هوایی تأثیر قابل توجهی بر توانایی‌های نظامی حوثی‌ها، به‌ویژه عملیات دریایی‌شان داشته‌باشد. حوثی‌ها بسیار باهوش‌تر، آماده‌تر و مجهزتر از آن چیزی هستند که بسیاری از مفسران غربی فکر می‌کنند. آنها تجربه زیادی در جنگ دارند. آنها سال‌ها درگیری وحشیانه، شامل رویارویی مستقیم با عربستان سعودی را تجربه کرده‌اند و تجربیاتی از سوی ایران نیز به آنها منتقل شده است. در پنج سال گذشته توانایی‌های حوثی‌ها به‌طور مداوم دست‌کم گرفته شده است. بی‌پروایی و تمایل آنها برای تشدید تنش در مواجبه با چالش‌ها نیز قابل توجه است و همیشه دست‌کم گرفته شده است. حوثی‌ها می‌دانند که حمایت بین‌المللی از حملات آمریکا و بریتانیا ضعیف است. قطعنامه اخیر شورای امنیت سازمان ملل متحد که از حوثی‌ها خواسته بود تا حملات خود را متوقف کنند، به‌طور خاص اقدام نظامی را تایید نکرد. سایر کشورهای بزرگ به‌طور آشکار علاقه‌ای به شرکت در این عملیات نظامی تحت رهبری ایالات متحده نداشته‌اند. به‌عنوان مثال، سعودی‌ها بیرون‌گود ماندند. آنها خوب می‌دانند که حملات هوایی‌شان علیه حوثی‌ها به مدت ۹ سال، به هیچ نتیجه‌ای نرسید. دیگر بازنگران منطقه‌ای نیز بیرون‌گود مانده‌اند و از درگیری با گروهی که فعالیت‌های خود را در دریای سرخ ذیل عنوان همبستگی با فلسطینی‌ها تعریف کرده‌اند، بیم دارند. صرف‌نظر از این، موضع ضداسرائیلی و ضدآمریکایی، در ساختار ایدئولوژی حوثی‌ها یک اصل اساسی است و رهبری آنها به درستی محاسبه کرده است که حمله غرب به یمن تنها حمایت محلی و منطقه‌ای از تلاش‌های آنها را افزایش می‌دهد. ایالات متحده و بریتانیا بیش از هر زمان دیگری در چشم افکار عمومی خاورمیانه به عنوان متحدان آشکار اسرائیل که در یک درگیری منطقه‌ای گسترده‌تر شرکت کرده‌اند، تلقی خواهند شد. بنابراین، این حملات باعث توقف یا کاهش حملات حوثی‌ها نمی‌شود. بعید است تا زمانی که جنگ غزه ادامه دارد، این حملات متوقف شوند. در نتیجه حملات به یمن نتیجه معکوس خواهد داشت و کارزار گسترده حوثی‌ها را تقویت می‌کند. بنابراین باید انتظار حملات به تأسیسات ایالات متحده و بریتانیا در سراسر شبه‌جزیره عربستان و زیرساخت‌های نفتی را با استفاده از فناوری موشکی و تسلیحاتی حوثی‌ها داشت. یکی از آسیب‌هایی که حملات هوایی آمریکا و انگلیس وارد می‌کند این است که جنگ داخلی در یمن، منطقه‌ای بین‌المللی کرده، درگیری را گسترش می‌دهد و تلاش‌های سازمان ملل برای از سرگیری روند صلح را عملاً غیرممکن می‌کند. این حملات هوایی همچنین تأثیر منفی فوق‌العاده‌ای بر امنیت غذایی و حمل‌ونقل در جهان خواهد داشت. مطمئناً هیچ درخواستی در داخل یمن برای عقب‌نشینی حوثی‌ها وجود نخواهد داشت. حملات هوایی تفاوتی در این کشور بسیار پیچیده ایجاد نمی‌کند. حتی دشمنان داخلی حوثی‌ها در یمن نیز نمی‌توانند اقدام ایالات متحده را تأیید کنند. حوضه‌آمریکایی در یمن، حتی بیشتر از عراق است. مشخص نیست که ایران تا چه اندازه نقش مستقیمی در تحریک فعالیت‌های حوثی‌ها ایفا کرده است. ایرانی‌ها به مشاهده تحولات از راه دور بسند کرده‌اند و دخالت مستقیم را انکار می‌کنند. اما مسلماً قصد آشکار حوثی‌ها برای تضعیف بیشتر چشم‌انداز عادی‌سازی روابط اسرائیل و عربستان مورد تأیید ایران خواهد بود. تاکنون، حملات حوثی‌ها تهدیدی استراتژیک برای اسرائیل نبوده و تل‌آویو از گشودن یک جبهه جدید در یمن خودداری کرده است اما اگر حملات ایالات متحده باعث تشدید تنش منطقه‌ای شود و حزب‌الله را نیز درگیر کند، شرایط ممکن است تغییر کند. اسرائیل قبلاً در دهه ۱۹۶۰ مستقیماً در یمن مداخله کرده است. با این حال، به احتمال زیاد رهبری حوثی‌ها را در داخل و خارج از یمن از طریق عملیات‌های هدفمند ترور، تعقیب خواهد کرد. چین، اگر چه از لحاظ نظری خوشحال است که غرب در یک درگیری خونین منطقه‌ای دیگر گرفتار شده، اما در صورت بسته شدن دریای سرخ، آسیب‌قابل توجهی خواهد دید. کشورهای عربی مانند مصر نیز شاهد اثرات منفی خواهند بود اما هیچ‌کدام نمی‌توانند در برابر حوثی‌ها بایستند و خطر همسویی با اسرائیل را به جان بخرند. پس از افزایش حملات حوثی‌ها، ایالات متحده و بریتانیا احساس کردند که بیش از هر چیز به دلایل داخلی نیاز به نمایش قدرت دارند؛ این دقیقاً همان چیزی است که حوثی‌ها می‌خواستند و برای آن آماده بودند.



# آلمان به دنبال میانجیگری

وزیر خارجه آلمان  
کشورش را به عنوان  
بازیگر خنثای خاورمیانه  
در جایگاه وساطت می‌بیند



تکس، EPA

«هزاران بچه دارند کشته می‌شود یا زنده می‌مانند در حالی که کاملاً تنها هستند.» سپس روی صحبتش را به سمت دولت اورشلیم برد: «از اسرائیل انتظار داریم تضمین کند که اقدامات نظامی‌اش هدفمندتر هستند و تلفات غیرنظامی کمتری ایجاد می‌کنند. این درگیری تا همین جا هم بیش از حد به قیمت جان غیرنظامیان در غزه تمام شده است.» بروک گفت: «ما بلیم»، گفت «انتظار داریم.» این نوعی صراحت است که معمولاً از مقامات آلمانی انتظار نمی‌رود.

### ▼ نقش خنثی آلمان

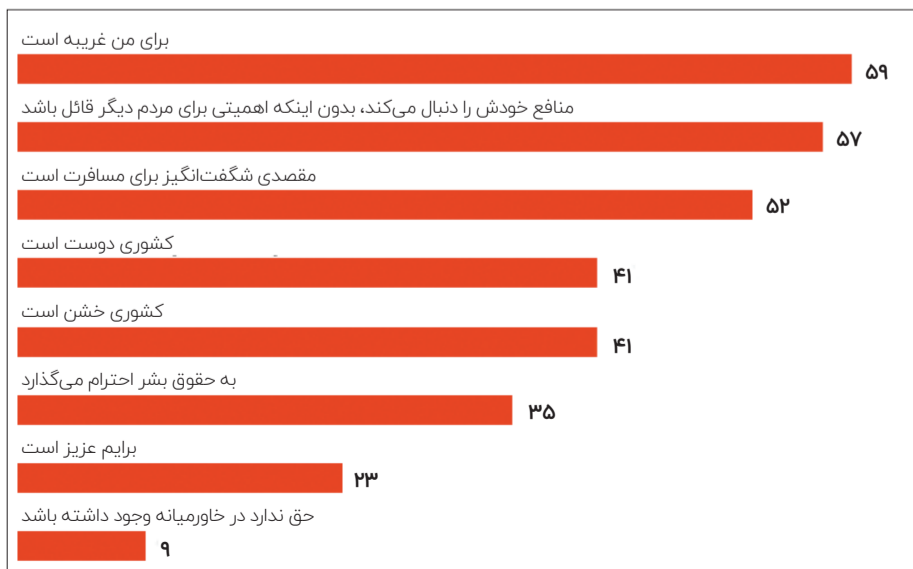
به باور بروک، تنها چند بازیگر در موضعی هستند که اصلاً بتوانند در خاورمیانه کار را به جایی برسانند. کشورهای مهمی مثل فرانسه که تا سال ۱۹۴۳ به‌عنوان قیمومیت فرانسه، سوریه و لبنان را اداره می‌کرد، به دلایل تاریخی بیش از حد در منطقه درگیر هستند. به‌سختی می‌توانند به‌عنوان یک میانجی صادق بین طرف‌ها عمل کنند. دیگر کشورها کوچک‌تر از آن هستند که چنین نقش وساطت مهمی را ایفا کنند. می‌ماند ایالات متحده که می‌تواند با استفاده از قدرت نظامی‌اش، نفوذ قابل توجهی در منطقه اعمال کند و آلمان که با توجه به نقش تاریخی تثبیت‌شده‌اش، از طرف همه به‌عنوان یک میانجی پذیرفته شده است. برلین حق اسرائیل را برای وجود به رسمیت می‌شناسد اما هیچ منافعی برای خودش در منطقه ندارد و از این رو به‌عنوان بازیگری بی‌طرف دیده می‌شود. چنین تحلیلی چه راهبردی پیشنهاد می‌کند؟ بروک این‌طور می‌گوید: «زندگی کردن کنار هم به معنای به رسمیت شناختن رنج همدیگر است.» این

بیابرد؟ او چه می‌خواهد؟ رویکردش چیست؟ متحدانش چه کسانی هستند؟ و محاسبات سیاسی تا چه میزان در این میان نقش دارند؟  
نزدیکان بروک می‌گویند اهداف او مشخص هستند: وزیر خارجه آلمان می‌خواهد از اسرائیل در حالی که دارد از حقیقت دفاع از خود استفاده می‌کند، حمایت کند و همزمان مانع از تشدید تنش در منطقه شود. می‌گویند او می‌خواهد آزادی گروهان‌های حماس را تضمین کند و نیز کمک‌های انسان‌دوستانه بیشتر به فلسطینیان در غزه را، رویکرد او اوایل دسامبر در دوی در معرض دید بود. او آن‌جا در بخش مربوط به آلمان در نشست تغییرات اقلیم روی صحنه رفت. بروک، تازه شب پیش‌اش رسیده بود و داشت اولین نشست خبری‌اش را برگزار می‌کرد. اتاق پر بود و او یک ربع اول را درباره تغییرات اقلیمی حرف زد؛ اما بعدش ناگهان موضوع را عوض کرد: «در نهایت، بگذارید چند کلمه درباره وضعیت خاورمیانه بگویم.» پیامی که او در پنج دقیقه بعد از این به صورت علنی اعلام کرد، پیامی بود که او پیشتر چندین بار در جلسات سطح بالا پشت درهای بسته فرستاده بود. بروک منتقد تند حماس بود اما اسرائیل را هم بی‌نصیب نمی‌گذاشت. او درباره رنج گروهان‌های اسرائیلی و خانواده‌هایشان، حق اسرائیل برای دفاع از خود، حملات حماس، حزب‌الله و حوثی‌ها حرف زد. فراخوان‌ها برای آتش‌بس کلی را هم رد کرد و گفت، چنین راهی، هیچ فایده‌ای در راستای ارتقای امنیت اسرائیل نخواهد داشت. اما بروک این را هم گفت: «برای مردمی که در غزه هستند، به‌خصوص برای بچه‌ها، زندگی، جهنمی است.» او گفت هیچ‌کس نمی‌تواند تکان نخورد وقتی می‌بیند

حسابی از نیمه‌شب گذشته است که آنالنا بروک بالاخره به اتاق جلسات هوایی‌های ایرباس دولت می‌رسد. صفحه نمایشی که روی دیوار است، محل هوایما را روی نقشه دنیا نشان می‌دهد. پایین زیر پا، دریای مدیترانه است، مصر دیده می‌شود و درست در کنارش، نوار غزه. بروک قبل از اینکه بنشیند، نگاهی به بیرون از پنجره می‌اندازد. خودش می‌گوید، لحظه‌ای قبل توانسته غزه را روی زمین پیدا کند و ببیند، تکه زمینی تاریک کنار نورهی روشن اسرائیل، محدوده‌ای ننگیو در چشم‌اندازی که در آن تأسیسات مرزی به شکل خطوطی بارک قابل دیدن هستند. خودش می‌گوید کارکنان دفترش همه در خشش لحظه‌ای نور راکت‌ها را هم دیده‌اند.

چشم‌های یکی از دستیارهایش دیگر بسته می‌شوند و خود بروک هم احتمالاً دیگر کاملاً خسته است. وزیر خارجه آلمان، عضو حزب سبز، تازه از یک هفته مذاکره در دوی و در نشست تغییرات اقلیمی سازمان ملل متحد فارغ شده است. او حالا در هوایما در مسیر خانه است و می‌تواند در مقابل خبرنگاران بایستد و درباره مبارزه با سوخت‌های فسیلی حرف بزند؛ اما به جایش دارد سعی می‌کند نوار غزه را روی زمین زیر پا پیدا کند. از زمانی که با حمله حماس به اسرائیل در ۷ اکتبر، جرقه انفجار خشونت زده شد، ذهن او مشغول وضعیت منطقه بوده است. حتی قبل از حمله او درگیر خاورمیانه بود و به‌عنوان بخشی از روال استاندارد وزیر خارجه آلمان، به اسرائیل و کشورهای مهم حاشیه خلیج [فارس] سفر می‌کرد اما حمله وحشتناک حماس در ۷ اکتبر رسید و همه چیز را تغییر داد.

از آن زمان، جنگ در غزه به مسئله غالب دوران او تبدیل شده است و همه بحران‌های دیگر را به پس‌زمینه رانده است: جنگ در اوکراین، درگیری بین صربستان و کرووو و نبرد بین ارمنستان و [جمهوری] آذربایجان. او از ۷ اکتبر سه بار به خاورمیانه سفر کرده است و به زودی برای چهارمین مأموریت میانجیگری‌اش راهی سفر به اسرائیل و چندین کشور عربی خواهد شد. به گفته نزدیک‌ترین افراد به او، باور بروک این است که به‌عنوان وزیر خارجه آلمان در جایگاهی است که می‌تواند اثر داشته باشد. به خاطر این باور هم هست که وظیفه خود می‌بیند، هر کاری می‌تواند بکند. بروک عمیقاً از تصاویر و توصیفات کارهای وحشتناکی که حماس در اسرائیل انجام داده بود، تکان خورده است و همین‌طور از روایات رنجی که مردم در نوار غزه تحمل می‌کنند. مسئله فقط این نیست که او به لحاظ احساس درگیر این تقابل شده است، او بیشتر از هر مسئله دیگری پیش از این، درگیر این موضوع شده است. نزدیکانش می‌گویند بروک با درگیری در خاورمیانه، نقش خود را به‌عنوان دیپلمات ارشد آلمان پیدا کرده است. این وضعیت، این سوال مهم را پیش می‌کشد: با نگاه واقع‌بینانه، یک وزیر خارجه آلمانی چه می‌تواند در این درگیری چنددهه‌ای به دست



◀ دیدگاه آلمانی‌ها به اسرائیل / منبع داده‌ها: نظرسنجی روزنامه «دی ولت» آلمان